

پیام سندیکا

پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۷۹ / سال هشتم / تیر ماه ۹۸ / نشریه سندیکاهای کارگری ایران



روزانه ۲ هزار و ۷۵۵ کارگر در ایران بیکار می شوند



ماهنامه نشریه پیام سندیکا، پیام آور سندیکاهای کارگری ایران شماره ۷۹ تیر ماه ۱۳۹۸ در ایران بصورت چاپی و الکترونیکی منتشر شد.

در این شماره می خوانید:

اطلاعیه های سندیکاهای کارگری ص ۱

گزارشات کارگری از واحد های تولیدی سراسر کشور ص ۸

آیا باید بابت مستمری زنان نگران شد؟ ص ۲۱

جوان ترین سندیکالست دنیا! ص ۲۴

خوانشی بر محتوای سبلیک فیلم "سرخ پوست" ص ۲۵

بیابای بیرون رفیق ص ۲۷

تلخ و شیرین های کازیم عاشقی ص ۲۹

زهد آقای رئیسی یا کارگرد آقای رئیس؟ ص ۳۰

دریافت مقرری بیمه بیکاری حق قانونی کارگران است! ص ۳۲

طرح تحول سلامت جیب تأمین اجتماعی را خالی کرد! ص ۳۳

نامه سرگشاده مدیر موسس بنز ص ۳۵

مصرف سرانه شیر در ایران ص ۳۶

تفرقه جامعه را عقب مانده نگه می دارد ص ۳۷

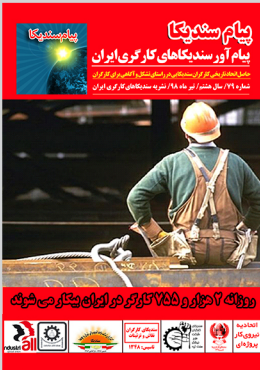
فریاد اول ص ۳۸

اوپر سار واقعی است! ص ۴۰

تاریخچه جنبش سندیکایی ص ۴۱

از لیبرالیسم تا لیبرالیسم نو ص ۴۲

پیدایش و تکامل حیات ص ۴۳



پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/ چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه ای

<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

gmail.com@sfelezkar1961

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com

برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دوزبانه سندیکای

کارگران فلز کارمکانیک ایران به آدرس sfelezkar.com مراجعه کنید.

زحمتکشان جنگ نمی خواهند!

به صدا آمدن طبل شوم جنگ جان فرزندان زحمتکشان ایران و آمریکا را تهدید می کند!

سرمایه داری جهانی برای برون رفت از بحران خود ساخته به جنگ نیازمند است و از قربانی کردن جوانان ایرانی و آمریکایی ابایی نداشته تا هزینه رُکود اقتصادی و انباشت تولیدش را به کشورهای منطقه خلیج فارس و خاورمیانه تحمیل کند.

جنگ طلبان اگر موفق شوند استقلال و اقتصاد کشورمان را تخریب کرده و در مسیر آن ابایی از کشتار فرزندان کارگران و زحمتکشان ایرانی و آمریکایی ندارند. جنگ خاموش تحریم اقتصادی و بانکی که بیش از یکسال است که ادامه داشته، خانواده های زحمتکشان ایرانی را بی صدا کشتار می کند. مواد غذایی هر روز گران تر و بیکاری افزون تر می شود. ما می دانیم که جنگ مبارزات کارگری را تعطیل کرده و بهبودخواهان را به پشت میله های زندان خواهد فرستاد و فرصتی به سودجویان می دهد تا ثروت زحمتکشان را بیشتر به یغما برند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران برای جلوگیری از ویرانی و تخریب شهرها و روستاهای کشور و حفاظت از جان فرزندان زحمتکشان ایران و آمریکا که قربانی سودجویی سرمایه داری جهانی و داخلی خواهند شد، از همه صلح طلبان می خواهد که با تمام قوا در جهت سد کردن مسیر شروع این جنگ فعالیت کنند و جنگ طلبان را افشاء و محکوم کنند.

ما از همه سندیکاهای کارگری جهان می خواهیم دولت های خود را از پیوستن به این جنگ و تحریم های بیشتر ایران برحذر دارند.

ما رهبری کنفدراسیون جهانی اینداستریال را فرا می خوانیم که با تمام توان وارد این عرصه شده و با فراخواندن همه سندیکاهای عضو خود به راه اندازی

کمپین ها و تظاهرات، و هماهنگی های لازم، جنگ افروزان را تحت فشار قرار داده تا که آتش جنگ خاموش شود.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران دست صلح خواهی به طرف همه صلح جویان ایران و جهان دراز کرده و تمام توان خود را بر منزوی کردن جنگ طلبان داخلی و اتحاد صلح دوستان ایرانی بکار خواهد بست.

صلح و سعادت در همه جهان برقرار باد!

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۲ تیرماه ۱۳۹۸



تداوم بازداشت دستگیرشدگان تجمع اعتراضی روز جهانی کارگر را محکوم می‌کنیم!

با گذشت ۵۴ روز از تجمع اعتراضی روز کارگر در مقابل مجلس، فشار بر دستگیر شدگان همچنان ادامه دارد. انیسا اسدالهی که پس از دستگیری در تجمع اعتراضی روز کارگر بعد از سه روز بازداشت موقت با کفالت ۳۰ میلیون تومانی از زندان آزاد شده بود، عصر ۲۸ خرداد هنگام بازگشت از محل کار در خیابان مجدداً بازداشت و ماموران با وی به خانه خودش و برادرش مراجعه می‌کنند و بعد از تفتیش، لب تاپ و لوازم جانبی متعلق به وی و برادرش را توقیف و او را به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل کرده‌اند. ایشان مدرس زبان انگلیسی می‌باشد.

سه تن دیگر از دستگیرشدگان روز کارگر خانم‌ها عاطفه رنگریز، ندا ناجی و مرضیه امیری با وجود اینکه بازجویی آنها بیش از یک ماه است به پایان رسیده و باید برابر قانون و رویه جاری قضایی، بازداشت موقت شان خاتمه و آزاد می‌شدند اما به دلیل آزار و اذیت بیشتر و ایجاد ارباب برای کارگران همچنان بازداشت موقت آنها تمدید و زندانی هستند. خانم‌ها عاطفه رنگریز و ندا ناجی از فارغ التحصیلان دانشگاه و جویای کار و حامی حقوق کارگران هستند و خانم مرضیه امیری دانشجو و خبرنگار می‌باشد. پیگیری و مراجعات خانواده‌های آنها به مسئولان امنیتی و قضایی تا به امروز بی نتیجه و هیچ پاسخ روشنی دریافت نکرده‌اند.

دستگیر شدگان روز کارگر حدود پنجاه تن می‌باشند که اکثریت آنان با قرار وثیقه و کفالت بطور موقت آزاد شده‌اند اما احضار به دادگاه و فشار به آنان ادامه دارد. از جمله دو تن از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد آقایان سید رسول طالب مقدم "روز چهارم تیر ماه به دادگاه انقلاب" و وحید فریدونی

ولاشجردی" روز پنجم تیر ماه به دادگاه کارکنان دولت" احضار شده اند. از دیگر اعضای بازداشتی سندیکای کارگران شرکت واحد در روز کارگر آقایان حسن سعیدی با قرار وثیقه ۳۳۰ میلیون تومانی، رضا شهابی با قرار کفالت ۲۵۰ میلیون تومانی بطور موقت از زندان آزاد شده اند.

در حالی که بدیهی ترین و پایه ای ترین حقوق کارگران در مناسبات استثمارگرانه سرمایه داری در مراکز صنعتی، تولیدی، خدماتی، آموزشی و درمانی نادیده گرفته می شود و حقوق کارگران تا ماه ها معوق می گردد، حق بیمه شان پرداخت نمی شود و از خدمات بیمه ای و غیره محروم هستند اما متأسفانه فریادهای حق طلبانه کارگران زحمتکش با فشارهای پلیسی، امنیتی، قضایی سرکوب، و از اجتماعات اعتراضی آنها جلوگیری بعمل می آید. آقای اسماعیل بخشی از کارگران زحمتکش عضو سندیکای کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه و همچنین خانم ها سپیده قلیان و سناز الهیاری و آقایان امیر امیرقلی و امیر حسین محمدی فرد از فعالان کارگری که در رابطه با اعتصابات و اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه دستگیر شده اند با وجود اینکه ماه ها است بازجویی از آنها خاتمه یافته اما برای آزار و اذیت و فشار بیشتر بر آنان و ایجاد ارعاب برای کارگران در محیط کار، بدون دلیل قضایی همچنین برخلاف رویه جاری قضایی بازداشت موقت شان را تمدید و همچنان زندانی هستند. آقای علی نجاتی دیگر عضو سندیکای کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه نیز با قرار وثیقه موقتاً از زندان آزاد شده است و محاکمه وی ادامه دارد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه دستگیری و زندانی کردن کارگران در تجمع اعتراضی روز جهانی کارگر همچنین زندانی کردن دیگر کارگران، معلمان و فعالان کارگری به دلیل فریادهای حق طلبانه شان که با اتهام های واهی امنیتی زندانی صورت گرفته را محکوم می کند و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط آنان و توقف ادامه محاکمه دستگیر

شدگان روز کارگر می باشد. همچنین خواسته و مطالبات کارگران باید بطور جدی از سوی مسئولان مورد توجه و رسیدگی قرار گیرد.

سندیکای کارگران شرکت واحد از همه ی تشکل های کارگری و معلمان در ایران و سراسر جهان و همچنین دانشجویان درخواست دارد با قید فوریت برای آزادی کارگران، معلمان و فعالان کارگری و دانشجویی زندانی از هیچ کوششی دریغ نکنند و با اتحاد و همبستگی ما را برای آزادی دستگیرشدگان یاری رسانند.



سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۳ تیرماه ۱۳۹۸

منشور حقوق سندیکایی کارگری:

کارگران حق دارند سندیکا‌های کارگری تشکیل دهند، به سندیکا‌های موجود بپیوندند و بی آنکه اجازه یا نظارت مقامات دولتی یا کارفرمایان لازم باشد، در هر فعالیت سندیکایی شرکت کنند.

بی قانونی تا کی؟

فرزانه ژیلابی وکیل مدافع آقایان علی نجاتی و اسماعیل بخشی می گوید: امروز چهارشنبه بیست و هشتم خردادماه، به شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی مقیسه مراجعه و درخواست مطالعه پرونده جهت تدارک دفاع از موکلینم را داشتیم که با وجود برخورد محترمانه کارکنان دفتر شعبه و دفتر معاونت قضایی، قاضی مقیسه به بهانه پیوست ننمودن قرارداد مالی جداگانه با موکلینم، بدون پذیرش لایحه و خودداری از درج علت استتکاف به صورت کتبی، با مطالعه پرونده مخالفت نمودند از این رو ضمن درخواستی این برخورد غیرقانونی، به معاونت قضایی و ریاست محترم دادگاه های انقلاب منعکس شد. بدین شرح که:

۱- بر اساس بند ۶ ماده ۱۶ قانون نظارت بر رفتار قضات، قضات ملزم به پذیرش لایحه و مستندات وکیل می باشند.

۲- صدر فرم های وکالتی که توسط کانون وکلای دادگستری در اختیار وکلاء قرار گرفته است، عنوان "وکالت نامه و قرارداد" قید شده و در یکی از بندهای قرارداد، ردیف "حق الوکاله و شیوه پرداخت آن" پیش بینی گردیده است بنابراین الزام وکیل به تنظیم قرارداد مالی جداگانه، به طور مسلم، محمل قانونی ندارد و فاقد وجاهت قانونی می باشد.

۳- در حالی که وکالت و مشاوره تعداد زیادی از کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه را بیش از یکسال، تاکنون به رایگان به عهده گرفته ولی ناگزیر برابر تعرفه حق الوکاله، همواره، تمبر مالیاتی را نیز باطل نموده و قرارداد مالی جداگانه بین ما وجود ندارد، مطالبه چیزی که وجود ندارد، معقول و منطقی به نظر نمی رسد و جز مانع تراشی و سنگ اندازی

چه می تواند باشد؟! و بدون شک، سلب حق موکل از به همراه داشتن وکیل خود می باشد.

۴- آقایان تاکنون، در تضییع حق موکل، سنگ تمام گذاشته اند از نپرداختن حقوق حداقلی یک کارگر، از بی قانونی های مکرر از برگ اول پرونده و ضرب و شتم شدید وی در زمان دستگیری و بازداشت، مختومه نمودن پرونده شکنجه بدون حتی یکبار ارجاع به پزشکی قانونی یا شنیدن شهادت شاهدان و بدون توجه به گواهی های پزشکان معالج وی و عکس رادیولوژی دنده های شکسته و پرده آسیب دیده گوشش، تداوم بازداشت وی بدون موجب قانونی، گاه گاهی ملاقات های کابینی و غیرحضور وی با خانواده و فرزند خردسالش که عین شکنجه روانی است، سلب حق استفاده از وکیل تا کنون و دیگر موارد....

۵- در حالی که بر اساس بند ۳ ماده واحده احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، فراهم آوردن فرصت استفاده از وکیل، برای افراد، یک ضرورت قانونی است و سلب حق به همراه داشتن وکیل طبق مواد ۷ و ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی جرم انگاری شده است، قاضی همچنان به رویه ی غلط و غیر قانونی خود در غالب پرونده های این شعبه اصرار می ورزد.....

منشور حقوق سندیکایی کارگری:

کارگران حق دارند در محل کار خود یا در هر جای دیگر گرد هم آیند، به مذاکره بنشینند و عقاید خود را در خصوص تمام مسائلی که به آنان مربوط است، آزادانه ابراز دارند.

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



گزارش خبرنگار پیام سندیکا از ذوب آهن

۱- اعتراض کارکنان زن در ذوب آهن!

کاهش ساعت کار حق ماست!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا زنان شاغل در ذوب آهن خواسته های خود را به مدیریت امور اداری اعلام کردند.

این زنان در نامه ای به مدیریت امور اداری تقاضای ساعت کاهش کارکرد آنان در طی روزهای هفته را شدند. زنان شاغل اعلام کردند در حالی که باید در خانه نیز به وظایف خود عمل کنند حق ایشان است که ساعت کارکرد کمتری در محل کار بدون کاهش دریافتی آنان داشته باشند و این کاهش کارکرد در یک روز جمع شود.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ضمن حمایت از این خواسته زنان شاغل در ذوب آهن، این خواسته را حق طبیعی این کارکنان می داند.

۲- اتحاد راه گشاست!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا با تلاش بازنشستگان فعال هوادار سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران، محل برگزاری مجمع تعاونی مصرف را خارج از فولاد مبارکه تغییر یافت. طبق شواهد و قرائن مدیریت فولاد مبارکه می خواست محل برگزاری مجمع تعاونی مصرف را به داخل شرکت منتقل کند که موفق نشد. با توجه به اینکه نتوانستند در مجمع فوق العاده سهام بازنشسته را به زیر ۵۰ درصد بکشانند و با توجه به اینکه بازنشستگان مالک بلوک بالای ۵۰ درصد سهام تعاونی مصرف می باشند و قانون محل برگزاری مجمع شرکت تعاونی مصرف در ساختمان نگین باید باشد و این اصرار برای برگزاری مجمع تعاونی مصرف، غیرقانونی بود.

امسال تعاونی به سود بسیارخوبی برای هر سهم دست یافته است و بوی پول به مشام بعضی ها آنان را به فکر غارت این سود سهام کارگران انداخته است.

کارگران اجازه ندادند مجمع تعاونی مصرف به فولاد مبارکه منتقل شده و قدرت تصمیم گیری بازنشسته محدود شود. کارگران می گویند هرگاه مجمع شرکت فولاد مبارکه در فولاد مبارکه برگزار شد مجمع تعاونی هم در آن مکان برگزار شود.

به امید پیروزی و به امید افراشته شدن پرچم سندیکای کارگران فلزکارمکانیک در فولاد مبارکه.

۳- پاداش حق ماست!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا در اردیبهشت ماه کارگران ذوب آهنی رکورد تولید چدن را افزایش دادند و با ساخت پاتیل ریخته گری سرباره و قطعات فوق سنگین، ذوب آهن را در این موارد به خود کفایی رساندند. همچنین

کارگران توانمند با ساخت PCI و ارسال پودر ذغال به کوره بلند و کاهش هزینه های توقف کوره بلند و بالا بردن ایمنی و سوراخ کاری خطوط سیالات پر خطر بدون توقف تولید خواستار پاداش مناسب شدند. پرداخت پاداش تولید کارگران کوره بلند و بخش های دیگر از مدت ها پیش مطرح بود ولی اهمیتی داده نمی شد.

در بازدیدی که مدیریت از این واحدها جهت تقدیر و تشکر داشت نمایندگان کارگران اعلام کردند: «این ما هستیم که سود آوری را به ذوب آهن آورده ایم و باید از این سود و کاهش هزینه های ذوب آهن حق مناسب و متعارف خود را دریافت کنیم. پاداش حق ماست»

مدیریت که با اعتراض های بیش از حد کارگران روبرو شده بود قول داد هرچه سریعتر پاداش های مناسبی به کارگران سخت کوش پرداخت کند.

از نظر سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران، پاداش بخش کوچکی از دستمزد کارگران است.

۴- هرچه زودتر مشکلات کاری کارگران را حل کنید!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا در اعتراض به مشکلات قراردادی کارگران و کارکنان به تازه گی کارگران با نوشتن نامه ای به مدیریت مشکلات خود را مطرح و خواستار رفع این مشکلات شدند.

۱- کارگران قرارداد موقت نمی توانند از گواهی کسر از حقوق خود استفاده کنند ۲- معوقات سال ۱۳۹۶ هنوز پرداخت نشده است ۳- اجرایی شدن قانون مشاغل سخت و زیان آور برای کارکنان اتاق فرمان کوره بلند و آشنشانان

۴- رفع موانع پرداخت وام ضروری به کارگران قرارداد موقت ۵- ابلاغ چارت سازمانی مدیریت ها ۶- پرداخت پاداش تولید کارگران کوره بلند

در خاتمه نامه به مدیریت ذوب آهن اعلام شد: «مشکلات کارگران را هرچه سریعتر حل کنید»

۵- اخطار، سود کارخانه ذوب آهن در کجا مصرف می شود؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا در اعتراض به فرسوده گی محل های بهداشتی کارگران کارخانه ذوب آهن، کارگران اخطاری را نسبت به عدم بازسازی و ساخت مراکز سرویس های بهداشتی، حمام ها، فن های تهویه هوا، آبخوری ها و رستوران ها را به مدیریت اعلام کردند. در این اخطار مشکلات و فرسوده گی سرویس های بهداشتی محوطه کوره بلند ۲ و همچنین فرسوده گی ساختمان رختکن شماره ۷ و ۸ کک سازی از نظر غیر بهداشتی بودن و کثیفی و عدم نظافت مطلوب سرویس های بهداشتی کارگاه ریخته گری فولاد که موجب بیماری کارگران می گردد و آبسرد کن مربوطه در ایستگاه ۵ ریخته گری به مدیریت اخطار و ابلاغ شد. در این اخطار کارگران که به مدیریت منعکس شد اعلام گردید سود کارخانه ذوب آهن در کجا مصرف می شود؟

۶- تلاش برای بهبودی وضعیت درمان در ذوب آهن!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا با اعتراضات مکرر کارگران و کارکنان ذوب آهنی در رابطه با کارکرد نامناسب بیمه تکمیلی بیمه ایران، مدیریت مجبور گردید قرارداد خود را با بیمه ایران لغو کرده و با شرایط مناسب تر و پوشش گسترده تر درمانی با بیمه دانا قراردادی را از بهمن ماه سال گذشته تاکنون ببندد.

همچنین در رابطه با افزایش مراکز تحت قرارداد این بیمه در استان اصفهان، شهرستان شهرضا و بیمارستان شهید صدوقی و صدور کارت برای بیماران صعب‌العلاج و بیمه نمودن فرزندان پسر بالای ۲۵ سال در حال تحصیل کارگران ذوب آهنی نشستی با مدیران بیمه دانا برگزار شد که خواسته‌های کارگران مورد قبول مدیریت بیمه دانا قرار گرفت. در این نشست خواسته‌های کارگران به ویژه موضوع همکاری کلینک‌های دندانپزشکی و بیمارستان شهید مطهری و افزایش داروخانه‌ها تحت قرارداد بیمه دانا تأکید شد. همچنین تحت پوشش قرار گرفتن مادرها و پدران ۱۴ هزار کارگر و کارمند ذوب آهنی به سرعت اجرایی شود.

مدیریت بیمه دانا به کارگران قول داد دفاتر بیمه دانا را در شهرهای کارگران ذوب آهنی راه اندازی کند.

اخبار کارگران پروژه ای نفت و گاز

۱- شرکت کیان سازه نمونه ظلم به کارگران

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا در شرکت کیان سازه که زیر مجموعه پتروپالایش است و در کنگان مستقر است قوانین اداره کار رعایت نمی‌شود. بطور نمونه افزایش حقوق ۴۰۰ هزار تومانی را برای کارگران ساده و کمکی اعمال نکرده و فقط ۲۰۰ هزار تومان به دستمزدها اضافه کرده است. در حالی که اگر ۳۶ درصد افزایش حقوق را برای یک استاد کار بخواهند اعمال کنند می‌شود نزدیک به یک میلیون افزایش حقوق.

در این شرکت حقوق سندبلاست کار روزی ۱۰۰ هزار تومان و حقوق کمکی ها ۷۵ هزار تومان است آن هم برای روزی ۱۰ ساعت کار. بیمه کارگر ساده و استادکاران مثل هم رد می شود که اجحافی است به استادکاران.

در این شرکت حقوق ها با تاخیر دو ماهه داده می شود. در این شرکت اگر کارگری بیمار شد و سرکار نیامد آمار غذایش رد نمی شود.

۲- در پتروشیمی جم (پاد جم) چه می گذرد؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا در پروژه پتروشیمی جم سایت ۲ (پاد جم) شرکت مارون سازه به پیمانکاری برادران صالحی هفشجانی وضعیت کارگران بسیار افتضاح است. خوابگاهها پر از ساس بوده و از سمپاشی و نظافت دوره ای خبری نیست و مسئول کمپ اصلا توجه و نظارتی ندارد. سرویس بهداشتی کثیف و باید انقدر کارگران اعتراض کنند تا توجه ای بشود. کارگران را با میبنی بوس های بدون کولر در این دمای ۴۵ درجه به سر کار می برند. کیفیت غذایش زیاد تعریفی ندارد و کارگران اغلب مجبورن این غذا را می خورند.

دستمزدهای کارگران فاجعه بار است. امسال با اینکه دولت افزایش حقوق ۴۰۰ هزار تومانی را مصوب کرده است اما این پیمانکار از صد تومان تا دویست تومان بیشتر افزایش نداده است. ۲۵ روز کار و حقوقش نسبت به همه جا حداقل ۵۰۰ تومان کمتر است به عنوان نمونه به جوشکار دومیلیون تا سه میلیون دستمزد می دهد، مونتاژکار دومیلیون و ششصد، به فیتز سه میلیون، حقوق کمکی یک میلیون و ششصد دستمزد می دهد آن هم برای ۱۰ ساعت کار. در این پیمانکاری خبری از عیدی و پاداش شب عید خبری نیست و هیچکدام از مزایای وزارت کاری رعایت نمی شود.

از طرف سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و گروه پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها به این پیمانکار اخطار می شود تا مقررات وزارت کار را رعایت کند وگرنه مورد تحریم کارگری قرار خواهد گرفت.

۳- در شرکت های برده داری نوین چه می گذرد؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا شرکت کیان سازه زیر مجموعه شرکت پتروپالایش در کنگان است. این پروژه ۶۰۰ کارگر را در بر می گیرد و بین فاز ۱۲ و کارخانه سیمان مستقر می باشد.

شرکت پتروپالایش کار را به شرکت رامپکو و شرکت رامپکو کار را به پیمانکاری کیان سازه به مدیریت کیانپور داده است.

وضعیت خوابگاهی افتضاح است و بابت پتو و بالش از اولین حقوق کارگران ۱۶۰ هزار تومان کسر می کنند. همچنین کارگران برای ورود به گیت پاس باید طب کار داشته باشند که به مبلغ ۱۵۰ هزار تومان برای کارگران هزینه دارد. غذا بدون کیفیت و سرویس بهداشتی خراب و غیربهداشتی و بدون در است. در سرویس های بهداشتی را با پارچه پوشانده اند. سرویس حمل و نقل از رده خارج و در هوای گرم و شرعی کنگان بدون کولر است.

۴- گرد و غبار و تبعیض

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا از مناطق کارگری عسلویه گرد و غبار هم باعث تبعیض در این مناطق شده است. با موج گرمای تابستانی و ورود ریزگردها و غبارآلود شدن هوای خوزستان دستورالعملی صادر شده و ساعت کار ادارات به دلیل گرد و غبار و گرما از ساعت ۶ صبح تا ۱ بعدازظهر اعلام شده است. این در حالی است که ادارات در فضای بسته و خنک کار می کنند.

در حالی که کارگران پروژه ای و کارگران پالایشگاهها و صنایع باید حداقل ۸ ساعت کار خود را کار کنند و کاهش ساعت کاری هم در بین نیست.

وضعیت کارگران پروژه ای که در هوای باز کار می کنند از این هم بدتر است یعنی روزی ۱۰ ساعت کار به اضافه دوساعت رفت و آمد در این هوای غبار آلود و گرمای ۵۰ درجه را باید کارگران تحمل کنند و تعطیلی هم در کار

نیست. کار وقتی سخت تر می شود که کیفیت کار در این شرایط اگر خوب نباشد شما جریمه هم خواهی شد و باید کار با کیفیت در هر شرایطی تحویل دهید.

۵- در مهمان سرای پتروشیمی کاویان چه می گذرد؟



این مهمانسرا در منطقه شیرینو بین کنگان و عسلویه واقع شده است. کارفرمای این پروژه به کارگران خودش عیدی و مزایای کارگری نمی دهد و فشار کار بر روی کارگران زیاد است. پیمانکاران این پروژه، کار را با قیمت پایین از کارفرما گرفته و با دادن روزمزدی و یا کترات به کارگران از دادن حقوق و مزایای مصوب دولت طفره می روند. از جمله از دادن عیدی، سنوات، و پاداش آخر سال.

۶- در بید بلند چه می گذرد؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، پیمانکاران شرکت جهان پارس واقع در بید بلند هیچکدام از مزایای قانونی کارگران را پرداخت نمی کنند. تفاوت دستمزد استادکاران با کارگران ۱۰ الی ۲۰ هزار تومان است. پیمانکاران امامی، نوذریپور، حسین لیموچی، برادران لیموچی، راکی به شما اخطار می شود قوانین وزارت کار را در پروژه خود رعایت کنید وگرنه مجبور میشویم در مورد پایمال کردن حقوق کارگران در پروژه هایتان دست به افشاگری بزنیم.

برادران کارگر، شرکت جهان پارس و پیمانکاران امامی، نوذریپور، حسین لیموچی، برادران لیموچی، راکی از طرف سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و گروه کارگران پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها تحریم کارگری شده و کسی برای کار به آنجا نرود.

اعتراضات کارگران لاستیک پارس ساوه

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارخانه لاستیک پارس ساوه که در شهرک صنعتی واقع شده است و از دو سال قبل با اخراج ۱۰۰۰ کارگر با ۷۰۰ کارگر در حال تولید است. این کارخانه ۷ ماه پیش به خانمی به نام میترا فروزنده نیا فروخته شد. با اینکه کارخانه فروش خوبی دارد و می باید کارفرمای جدید متعهد به شروط ضمن خرید خود پای بند باشد متأسفانه در هفته قبل بدون هماهنگی با کارگران و با بهانه تمام شدن نخ کارخانه، کارگران را به تعطیلی تابستانی با جیب خالی فرستاد. ایشان اعلام کرده اند که ۵ روز از مرخصی استحقاقی کارگران کسر خواهند نمود.

این مرخصی نا به هنگام اعتراض کارگران را در پی داشت. در همین حین متأسفانه مدیر تولید در یک اقدام نابخردانه در هنگام استراحت و نوشیدن چای کارگران کولر را خاموش می کند که به درگیری با کارگران می انجامد. مدیریت اعلام کرده ۳ کارگر درگیر شده را اخراج خواهد کرد.

در حال حاضر کارگران در تعطیلی زورکی به سر می برند.

در کارخانه فوم اشتها رد چه می گذرد؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا این کارخانه در اشتها رد واقع شده و در سال ۱۹۸۴ راه اندازی شده است و دستگاههای فرسوده گشته اند. در حال حاضر این کارخانه با ۱۶ کارگر در خط تولید و یک خانم در کادر اداری مشغول به کار است. مشکل اصلی کارگران گازهای متصاعد شده در حین عملیات تولید بوده که ناشی گاز در سال گذشته منجر به انفجار و کشته شدن یک کارگر گردید. وضعیت ایمنی و غیر بهداشتی بودن این کارخانه سلامت و جان کارگران را تهدید می کند. این کارخانه شامل سختی کار می شود ولی نه کارفرما و نه بازرسین اداره کار به این موضوع اهمیت نمی دهند

سیاست های مدیران ایران خودرو

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا سالهاست ایران خود رو سیاست برون ده را در پیش گرفته و قطعات مورد نیازش را توسط گروه مهندسی سایکو به پیمانکاران خارج از ایران خودرو می دهد. کل عملیات طراحی و نظارت و کنترل کیفیت توسط سایکو انجام می شود. ناگفته نماند دلالتها هم در گزینش کارگاه ها و دریافت پورسانت از این نمذ کلاهی برای خود می دوزند. بنا براین ایران خودرو کارگران تراشکار و قالب سازی و ریخته گری استخدام نمی کند و رشته های دیگر هم کم بیش همینطور. بنا براین با کارگران باقی مانده کار مونتاژ را انجام می دهد تا به استخدام کارگر نیازی نباشد. درهمین راستا رباتیک کردن کارخانه هم به عدم استخدام کارگر کمک می کند. سیاست ایران خودرو سعی در تمرکز زدانی است و کوچکتر کردن کارخانه تا تعهداتش به کارگران هرچه کمتر شود.

وضعیت کارگران خدماتی بیمارستان های کرج!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا در سال جاری در بیمارستان کمالی کرج کارگران پیمانکاری خدماتی (توزیع غذا و...) با ۱۲ ساعت کار فقط ۱ میلیون ۴۰۰ هزار تومان دستمزد دریافت می کنند و از افزایش حقوق طبق مصوبه وزارت کار خبری نیست. همچنین به کارگران گفته شده است از عیدی و پاداش آخر سال فقط یک مورد را به کارگران بدهند داد. سالهاست ۴ ساعت اضافه کاری این کارگران توسط کارفرما پرداخت نمی شود که هم اداره کار و اداره بهداشت و رییس بیمارستان در جریان هستند.

در بیمارستان مدنی کرج نیز کارگران پیمانکاری خدماتی (توزیع غذا و...) تاکنون ۲ ماه است که حقوق نگرفته اند و پیمانکار اعلام کرده برای ۱۲ ساعت کار فقط ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان خواهد داد. این کارگران در ماه حق دارند ۲ جمعه با حقوق تعطیل باشند و دو جمعه دیگر را بدون اضافه کار باید سرکار ببایند. از تسویه حساب سنوات در آخر هر سال خبری نیست و حق مسکن و حق ایاب و ذهاب و دیگر حقوق وزارت کاری را کارفرما پرداخت نمی کند. در بیمارستان مدنی طبق مصوبه وزارت بهداشت باید تعداد کارگران خدماتی (توزیع غذا و...) ۲۱ نفر باشد که در حال حاضر ۱۶ نفر بوده که هم اداره کار و اداره بهداشت و ریاست بیمارستان از این امر اطلاع داشته و چشم پوشی می کنند. این روال در همه بیمارستان های کرج کم و زیاد اعمال می شود.

مطالبات کارگری در مجتمع مس سرچشمه - بهار ۱۳۹۸

بر اساس گزارش دریافتی از گزارشگر پیام سندیکا در مجتمع مس سرچشمه واقع در استان کرمان، با وجود شرایط نا به سامان اقتصادی و تورم شدید در کشور، مطالبات کارگری در این مجموعه در برخی شرکت های تابعه به وضعیت حادی رسیده است:

شرکت سبافام پیمانکار پروژه ی راه اندازی شده ی فلش تا کنون پرسنل تسویه حساب شده ی خود را از اردیبهشت ماه ۱۳۹۷ به بعد بدون دریافت مطالبات شان رها نموده است؛ این نفرات حقوق های ماهیانه ی خود را دریافت داشته اند؛ اما مطالبات پایان کار خود را دریافت نکرده اند. پرداخت به پیمانکاران دست دوم این مجموعه از دیماه سال ۱۳۹۷ تاکنون انجام پذیرفته است و تبع آن، پرسنل پیمانکاران دست دوم نیز از دریافت حقوق بی بهره شده اند.

اعتصاب کارگران شرکت های مدوار، همگامان مس و ارفع سازان: در روزهای پایانی خردادماه، قریب به ۷۰ نفر از پرسنل شرکت های مذکور روبروی ساختمان ایمنی مجتمع مس سرچشمه دست به اعتصاب زده اند. این کارگران اخیرا تغییر وضعیت گردیده اند و دستمزد دریافتی شان به حقوق پایه ی قانون کار کاهش یافته است؛ کارفرمایان اصلی با این طرفند و به شکل کاملاً غیرقانونی اقدام به کاهش حقوق ایشان نموده اند. اعتصاب در آرامش انجام پذیرفته است و با حضور انتظامات مجتمع مس کنترل شده بود؛ پیگیری این مطالبه از سوی کارگران ادامه خواهد داشت.

شرکت سنا که در گزارشات قبلی از بدنامی پرداخت حقوق بود، پس از تعطیلی، در سال جاری حقوق و مزایای پرسنل تسویه حساب شده را نیز پرداخت نکرده است.

شرکت سریر صنعت پایا: پیمانکار تیکنرهای مولیبدن در سال جدید حقوق پرداخت ننموده است . گزارشگر پیام سندیکا - مجتمع مس سرچشمه

اخبار کارگری شرکت واحد به نقل از کانال تلگرامی سندیکای واحد



۱- امروز سه شنبه ۴ تیر دادگاه سیدرسول طالب مقدم از رانندگان خطوط بی آر تی و عضو سندیکای کارگران شرکت واحد به علت نقص در پرونده در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب برگزار نگردید. کیفر خواستی که ابتدأً علیه آقای سیدرسول طالب مقدم صادر شده است ناظر به اتهامات فعالیت تبلیغی علیه نظام موضوع ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی و اخلاف در نظم و آرامش عمومی موضوع ماده ۶۱۸ قانون مجازات اسلامی می باشد، متعاقب تشکیل جلسه شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران در تاریخ ۰۴/۰۳/۹۸ دادگاه به علت نقص در تحقیقات دادسرا در خصوص عناوین اتهامی جلسه رسیدگی را تجدید و ضمن ارجاع پرونده به دادسرا وقت رسیدگی جدیدی را به تاریخ ۱۹/۰۳/۹۸ تعیین و ابلاغ نمود.

۲- امروز پنجم تیر وحید فریدونی از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد در دادگاه کارکنان دولت مورد محاکمه قرار گرفت. وحید فریدونی که در تجمع روز جهانی کارگر ۱۱ اردیبهشت مقابل مجلس بهارستان شرکت کرده بود، پس از مدتی بازداشت، سپس با قرار کفالت از زندان آزاد شد.

امروز ۵ تیر در دادگاه کارکنان دولت به اتهام های اخلاف در نظم عمومی و اخلاف در بازداشتگاه تحت محاکمه قرار گرفت. در این دادگاه وکیل مدافع این راننده سندیکایی آقای احسان مزین ایشان را همراهی میکردند.

در روز جهانی کارگر ۱۱ اردیبهشت مقابل مجلس ۴۰ تن بازداشت شدند که بجز خانم مرضیه امیری و ندا ناجی و عاطفه رنگریز همگی با قرارهای کفالت و وثیقه آزاد شدند ، متأسفانه تلاش های خانواده های این سه بازداشتی بی نتیجه مانده و گویا قرار است تا برگزاری دادگاه این بازداشتی ها در زندان باقی بمانند.

۳- شکایت کارگران شرکت واحد در اداره کار برای دریافت سنوات خدمت با معیار آخرین حقوق دریافتی.

تعدادی از کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران در روزهای چهارم و پنجم تیر با مراجعه به اداره کار شمالغرب تهران از شرکت واحد به دلیل محاسبه سنوات خدمت شان با معیار "مزد مبنا" شکایت کردند. کارگران شکایت کننده در دادخواست خود خواهان محاسبه حق سنوات خود با معیار "حقوق دریافتی" هستند. هیات عمومی دیوان عدالت اداری با استناد به مواد ۲۴، ۲۷، ۳۱، ۳۵ قانون کار و تبصره ۴ ماده ۴۱ قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور، با صدور رای، تصریح بر محاسبه سنوات خدمت کارگران با معیار "حقوق دریافتی" کرده است.

پیش بینی می شود در روزهای آینده صدها تن از کارگران شرکت واحد با شکایت از شرکت واحد در ادارات کار خواهان محاسبه سنوات خدمت شان با معیار "حقوق دریافتی" گردند. همچنین با توجه به این که شرکت واحد اتوبوسرانی تهران بر خلاف قانون و با پایمال کردن حقوق کارگران سنوات خدمت شان را در چند قسط و پس از حدود یکسال پرداخت می کند، کارگران در دادخواست های خود خواهان دریافت سنوات خدمت شان بلافاصله پس از بازنشستگی شده اند.

آیا باید بابتِ مستمری زنان نگران شد؟

گفتگوی مازیار گیلانی نژاد عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران با خبرگزاری کارگری کار ایران (ایلنا)

طناب‌کشی بر سر «طلاق‌های صوری»/ «جدایی» فقط برای کمتر از دو میلیون تومان در ماه!

به گزارش خبرنگار ایلنا، در روزها و هفته‌های گذشته، اظهارنظرها و انتقادات از زنانی که به گفته‌ی مسئولان از همسران خود طلاق می‌گیرند، آنهم طلاق صوری و مصلحتی تا از مستمری پدران فوت کرده خود استفاده کنند، بالا گرفته است. این اظهارات که البته با نگرانی بجا در مورد بنیان خانواده همراه است، به نگرانی‌ها و دغدغه‌های جانبی بسیاری دامن زده است. فعالان کارگری از این نگرانند که نکند با دستاویز قرار دادن موضوع «سواستفاده از قانون» حق استفاده از مستمری پدر برای دختران مجرد، سلب شود؛ حقی که به هر حال برای به دست آوردن آن، کنش‌ها و چانه‌زنی‌های بسیاری صورت گرفته و در هر حال، یک «دستاورد کارگری» محسوب می‌شود و اینک سلب این حق به این بهانه که «کسانی هستند که از آن سواستفاده می‌کنند»، چندان رضایتبخش و البته عادلانه نیست.

اولین انتقاد این است که نمی‌توان یک پدیده یا حتی آسیب اجتماعی – طلاق‌های صوری- را به فرض وجود، به یک «مساله اخلاقی» تقلیل داد؛ به هر حال اگر زنانی هستند که به خاطر مستمری پدر حاضر می‌شوند امنیت خانوادگی خود را زیر سوال ببرند و از همسر جدا شوند و اگر این فرض وجود دارد که نرخ این طلاق‌های صوری در گذشته، تا این حد زیاد نبوده ولی حالا با شتاب قابل توجهی افزایش یافته، باید دید چه اتفاقاتی در بستر اجتماع رخ داده که یک «زن» حاضر می‌شود چنین ریسکی را که آمیخته با بدنامی و نگرانی نسبت به آینده است، به جان بخرد؛ مخصوصاً اگر در نظر بگیریم که در صندوق تامین اجتماعی به طور مشخص، متوسط مستمری زیر ۲ میلیون تومان است، نگرانی‌مان نسبت به این زن‌ها و سرنوشت ناکام آنها بیشتر می‌شود؛ باید دید چه

فضایی بر زندگی اقتصادی این آدم‌ها حاکم است که حاضر شده‌اند برای کمتر از دو میلیون تومان طلاقِ صوری بگیرند؟

قانون چه می‌گوید؟

مازیار گیلانی‌نژاد عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران در رابطه با استیلاي این گفتمان - گفتمان تقبیح طلاق‌های صوری در رسانه‌های جمعی - هشدار می‌دهد و می‌گوید: اصل ۲۹ قانون اساسی در رابطه با بیمه و تامین اجتماعی و حق همگانی مردم، به دولت دستور داده که از بودجه عمومی برای همه شهروندان، بیمه و مستمری فراهم کند تا هیچ شهروندی نگرانی دوران بازنشستگی و کهولت و از کارافتادگی نداشته باشد؛ مضاف بر این در اصول دیگر قانون اساسی نیز بر حق برخورداری از سالمندی مطمئن و بدون دغدغه مردم تاکید شده است. در اصل ۴۳ قانون اساسی بر لزوم «ریشه‌کنی فقر» تاکید شده؛ فراموش نکنیم که این اصول در دهه‌های گذشته به محاق فرورفته و هرگز اجرایی نشده است. بنابراین همین‌جا باید نتیجه بگیریم که حق «برخورداری از یک مستمری شایسته و مکفی» براساس قانون اساسی، یک «حقِ بدیهی شهروندی» است.

گیلانی‌نژاد به نمایندگی از جانب سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران، «آمار» مطالبه می‌کند؛ آماري که به عطش دانستن و پی بردن به عمق بحران، پاسخ بدهد. او تصویب قانون برخورداری از مستمری پدر در دهه ۷۰ را در راستای همین مبارزه با فقر می‌داند و می‌گوید: در آن زمان، قانون بازنشستگان با تلاش ستودنی بسیار توانست این حق را کسب کند تا فرزندان دخترِ مستمری بگیران که همسر ندارند، دست به گریبان فقر، در جامعه رها نشوند. حالا اگر بخواهند این حق را از کارگران و بازنشستگان سلب کنند، به هیچ وجه عادلانه نیست. اگر هم زنانی وجود دارند که از این قانون سواستفاده می‌کنند، باید فضای آکنده از فقر و ناتوانی معیشتی را در نظر گرفت؛ همین فضا می‌تواند افراد را مجبور به انتخاب‌هایی کند که اصلاً مطلوب نیست؛ نه مطلوب برای خود فرد است و نه مطلوب برای اجتماع؛ به اضافه‌ی اینکه اگر چنین ادعایی می‌کنند، باید دقیق مشخص کنند چند نفر چنین کاری کرده‌اند.

او به عنوان یک فعال کارگری، «آمار» مطالبه می‌کند؛ می‌گوید: از مسئولانی که ادعا می‌کنند این دستاورد کارگری - برخورداری از مستمری پدر توسط دختران مجرد - دردسر ساز شده و به کارهای خلاف شرع و ناهنجار انجامیده، درخواست دارم آمار و اطلاعات دقیق برای ادعای خود ارائه دهند.

گیلانی‌نژاد از نگرانی دیگری پرده برمی‌دارد: مدتی است که این نگرانی تشدید شده که می‌خواهند شستا را بفروشند، صندوق‌های بازنشستگی را خصوصی کنند و از عرصه روابط تامین اجتماعی «قانون‌زدایی» کنند؛ ما این اظهارات جدید را هم در همین بستر می‌بینیم.

بدیهی‌ست که مسئولان باید آمار دقیق و تفکیکی از میزان طلاق‌های صوری و البته به طریق اولی، میزان طلاق‌های صوری به نفع مستمری پدر ارائه دهند و اگر واقعا زنگ اخبار به صدا درآمده و چنین طلاق‌هایی زیاد است، باید به این سوال پاسخ داده شود که چرا باید یک زن برای یک «مستمری نازل» که چند برابر زیر خط فقر است، تن به طلاق آن هم از نوع صوری بدهد؟

و درنهایت باید این را هم در نظر بگیرند که «استثنا»، اصل را از مخدوش نمی‌کند؛ اگر زنانی هستند که به خاطر جبر و اجبار یا هر دلیل دیگر، «استثنائاً» تن به طلاق صوری برای دریافت مستمری پدر می‌دهند، دلیل نمی‌شود که حق دریافت مستمری پدر توسط دختران، نادرست و نیازمند اصلاح باشد؛ مگر از هر قانونی که سواستفاده شود، قانون را عوض می‌کنند؟! از بسیاری از حقوق کارگری سواستفاده شده؛ مثلاً از بیمه کارگران ساختمانی، بسیاری از رابطه بازاری که با برخی مسئولان لابی داشته‌اند، استفاده کرده‌اند و افراد و خویشان خود را «کارگر ساختمانی» جا زده‌اند و بیمه کرده‌اند؛ آیا بعد از کشف این سواستفاده‌ها، قانون بیمه کارگران ساختمانی را برداشتند؟!

گزارش: نسرين هزاره مقدم خبرنگار ايلنا

جوان‌ترین سندیکالیست دنیا!



عزیزم؛ این عکس «اقبال مسیح» است؛ پسر ۱۲ ساله‌ی اهل پاکستان که در روز عید پاک امسال، وقتی با دوچرخه در روستایشان می‌گشته، کشته شد. قاتلین، اربابان قالی‌باف بودند که «اقبال مسیح» علیه آنان قیام کرده بود. این پسر را در شش سالگی فروخته بودند. قالی می‌بافت. و علیه ظلم و کار سیاه (ساعات کار زیاد با مزد بسیار کم) به همراه دیگر کودکان قالی‌باف قد بلند کرده و به عنوان جوان‌ترین سندیکالیست دنیا. پایش تا Boston University کشیده شده بود. جمله‌اش «من دیگر از ارباب نمی‌ترسم، حالا او باید از من بترسد» معروف شد. نتیجه‌ی قیام و مبارزه و مرگ‌اش این‌که، حالا باید روی هر قالی نوشته شود: «به دست کودکان بافته شده است». من عکس‌اش را چون دوستان دیگرم به دیوار کارگاهم دارم. تو نیز این عکس را به دیوار اطاعات بزن و یا در دفترت نگهدار. چرا؟ برای این‌که زمانه تغییر کرده است و تو به عنوان هنرمند مسئولیت بیشتری داری و برای این‌که تو و نسل تو، چون من و نسل من سرافکنده نباشید، باید به اطراف تان به دقت بیشتری نگاه کنید. بخشی از نامه‌ی «بهمن محمص» به دختر احمد رضا احمدی

خوانشی بر محتوای سمبلیکِ فیلم “سرخ پوست”



با دیدن فیلم خوش ساخت “سرخ پوست” خواستم، وجهی از مضمونِ منسجم این اثر را به استنباطِ خودم با شما در میان گذارم.

تصور می‌کنم، زندان و اهالی زندانی‌اش، مائیم؛ خود ما که در این کشور حبس‌یم و به هزار طریق، هر روز فقط به تعدادمان شمارش می‌شویم؛ تنوع قومیت‌ها و لهجه‌ها هم گواه همین تاویل است.

ظاهراً کارگردان-مولفِ اثر، با مراجعه به واقعیت، از یک سو فرودگاهی را پایانِ زندان قرار می‌دهد که سنبلِ مهاجرت است و شاید هم اندکی، رفت و آمد به دورانِ مدرن...

آن‌که گریخته، “سرخ پوست” لقب دارد؛ پر واضح است که سرخ‌پوستان در دنیا مظهرِ مبارزه با غولِ سرمایه‌داری اند و نمادِ حفظِ سنتِ نیکوی پدران.

از جهتی، سوژه‌ی “بدیو” ای نیز همین سرخ‌پوستی ست که عام است، سرخ‌پوست دیده نمی‌شود، به قولِ بدیو چوب‌لای چرخ سیستمِ حاکم می‌گذارد؛ چیزی به مثابه هر یک از ما؛ او انسانِ عامِ آزاده‌ی دورانِ ماست!

از جهتی دیگر، سرخ پوست گریخته، مگس گیر افتاده در بطری وینگشتاینی را به خاطر می آورد، وقتی گازها پراکنده می شوند برای نمایاندنش، همان چه حال و روزِ آزادگان مان خواهد شد.

زن در “سرخ پوست” نمادِ عشقِ فردی نیست؛ هم هست و هم نیست؛ چرا که وقتی پای “حق” و “عدالت” به میان می آید؛ نمادِ زنِ فیلم، عشقِ فردی را قربانیِ عدالت می کند و چه پسندیده و موقر، هر دو وجه را تا پایان همراه مان می کند.

هنوز در شَعَفَم برای جستجوی معنای “عدالت” در فیلم، به گونه ای که تا پایان، تنها دغدغه ی غالبِ انسانی، همین معنای شِگَرَفِ “عدالت” است.

مایلم اشاره کنم، فریم های تصویر، بی نقصند؛ وزن، حجم و توزیع نور در فریم ها به یادِ آثارِ “رامبراند” می اندازند.

باید تاکید کنم، فهمِ توزیعِ نور در تمامی قاب های اثر، دقیق و کم نقصند.

موسیقی دقیقاً فاخر بود، بر عکسِ مشابهِ کارهای ایرانی.

چون فیلم در اکران است، شرح فیصله دهنده و نقدِ اثر را به وقت دیگری وامی نهم.

دعوت می شویم به حظ بردن از این سمفونی هفت هُنَره ی منسجم در “سرخ پوست”.

شاهین صبح زاهدی

❁ بیا بیرون رفیق ❁

خطر کن

با پول خُردی که دیگر پول نیست

با جای خوابی که زیر باران است

و با کَارَت که فردا از دستش خواهی داد

پا به خیابان بگذار!

بجنگ!

برای صبر کردن

خیلی دیر شده است.

به یاری ما بیا

تا به خود کمک کرده باشی.

همبستگی کن!

بیا بیرون رفیق

در برابر اسلحه‌ها

از دستمزدت دفاع کن!

اگر پی ببری که چیزی برای باختن نداری

پلیس‌ها اسلحه کم خواهند آورد!

پا به خیابان بگذار!

بجنگ!

برای صبر کردن

خیلی دیر شده است!

به یاری ما بیا

تا به خود کمک کرده باشی.

برتولت برشت شاعر آلمانی

همبستگی کن!

یارانه و مردم

سال ۸۹ با اولین یارانه ای که دادند:

میشد ۲۰۰ تانون بربری خرید، الان میشه ۲۰ تا خرید

میشد ۶۵ لیتر بنزین آزاد زد، الان ۱۸ لیتر میشه زد

میشد ۴۰ دلار خرید، الان ۳ دلار

میشد ۱۵ کیلو مرغ خرید، الان ۳ کیلو

میشد ۳ کیلو گوشت خرید، الان نیم کیلو

میشد ۱ گرم طلا خرید، الان یک دهم گرم

همه چیز چندین برابر شده به جز یارانه

تلخ و شیرین های کازیم عاشقی (باز هم در اتوبوس)

دیروز عصر داشتم با اتوبوس به عجبشیر می رفتم . اتفاقی احوالم را خیلی خراب کرد. هنوز هم از یادم نرفته. آقای با داشتن دو فرزند و خانمش چهار نفری در دو صندلی نشسته بودند . یکی از بچه ها در آغوش مادرش و دیگری هم در جلو پدرش همینطور سرپا ایستاده بودند. ناهمواری جاده ها خرابی آسفالت ها راننده را مجبور می کرد هی این طرف و آن طرف بکشد و بچه ها هی سرشان را به صندلی جلویی می زدند. در نزدیکی عجبشیر آغا گفت : «در فلان جا نگه دارید». اتوبوس به ایستگاه رسید نگه داشت . خانواده پیاده شدند. آغا کرایه دو نفر را داد. راننده گفت: «اولن نفری ۷ هزار تومان شده . دومن شما ۴ نفری ۲۸ تومان می شود» صاحب خانواده نگاهی کرد و گفت: «ما در دو صندلی نشسته بودیم و ضمانت از بچه پول کرایه نمی گیرند» راننده گفت: «چرا به بچه یارانه می گیری . کرایه منو نمی دهی؟؟»

بیچاره معلوم بود از دکتر می آمدند چون دست بچه اش یک نایلون دارو بود. صدایشان زیادتیر شد. من هی به راننده گفتم ولش کن بزار بره . من بقیه اشو می دهم. ایشان هم ناراحت شده بودند . می گفت : بابا همیشه با ۶ نفر می رویم و می آییم . پول گازوییل در نیما . من چکار کنم و.....

آغا از ناراحتی رنگش سفید شده بود . بچه را زد زمین دو دستی کوبید سرش گریه کنان به دین و زمان . مسئولین و قران و همه فش گفت . کل مسافرین ناراحت شدند. نمی دانم مقصر کیست ؟؟؟ چه کسی باید جواب بدهد ؟؟؟

من از خدا می طلبم مرگ ناگهانی را

که بعد از این نکشم جور زندگانی را

کازیم عاشقی

زهد آقای رئیسی یا کارکرد آقای رئیس؟

آقای امید قالیباف خبرنگار صدا و سیما گزارشی از پشت پرده ی گفتگوی خود با جناب رئیسی ریاست قوه قضاییه منعکس کرده است که خلاصه اش این است: «هوا بس ناجوانمردانه گرم بود. وارد ساختمان قوه قضاییه شدم. فکرم از شدت گرما ناخودآگاه پیش کولر بود. وارد اتاق شدم. دو اسپیلت بزرگ آنجا خاموش بود. رئیس قوه قضاییه در گرما نشسته بود. برقهای اتاق اش هم اکثرن خاموش بود. بخاطر صرفه جویی دربرق» دیروز هم در شبکه های اجتماعی عکسی منتشر شد که جناب رئیسی در ایستگاه مترو منتظر قطار نشسته بود. (وقتی که هر یک دقیقه اش ارزش صد گره گشایی از کار مردم دارد) خدا وکیلی دوستان لطف کنند این یاداشت ناقابل را به دست ایشان برسانند تا او بداند که مردم نه تنها از برج عاج نشینی امثال ... سعادت آباد نشین، و .. خسته اند، بلکه ویلای... را همان عمارت فرعونى اصحاب زر و زرو می پندارند. بلکه از این مردم گرایی افراطی نیز بیزارند.

واقعا تعادل چه مشکلی دارد؟ نه دفتر رئیس قوه قضاییه خیمه ی امام حسین است و نه روز مصاحبه ایشان، شب عاشورا...؛ آقای رئیسی کولر و برق اتاق اش را هم روشن کند. بهترین غذا را هم بخورد. با ماشین مخصوص هم برود و بیاید. ما چه مشکلی داریم؟ ما هیچ علاقه ای به بازنمایی و یا دنبال کردنِ زندگی زاهدانه ی ایشان نداریم. همچنان که از زندگی اشرافی دولتمردانِ بنفش بیزاریم. امروز سه برابر ظرفیت زندان های کشور زندانی داریم. جناب رئیسی بهترین غذا را بخورد. هر دو اسپیلت دفتر اش را هم روشن کند. ولی این مشکل را حل کند! در برخی از بازداشت گاه ها یا زندانها گزارش از گرمای وحشتناک در انفرادی ها به دست می رسد. خوب آن اسپیلت ها اگر استفاده ای ندارد (حتی در حضور مهمان) بدهند به آن ندامتگاه ها ...

جوان مردم با ۲۱ سال سن یک جایی در یک گروه اجتماعی در فضای مجازی یک چیزی بر حسب شور جوانی نوشته، مادرش بضاعت یک وثیقه ۸۰ میلیونی را نداشته! وضع زندانش آن شده و الان سینه قیرستان خوابیده. ایشان سه روز یک بار هم افطار کند بچه ی مردم دیگر زنده نمی شود! حساب روزهای زندان اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و فعالان و دانشجویان کارگری و بچه های مظلوم محیط زیست و... از دست دارد در می

رود! به خدا ما راضی هستیم ایشان صبح تا شب شربت خنک بهار نارنج میل بفرمایند
ولی یک فکری برای اینها بکنند!

واقعاً جامعه‌ی ما را چه شده که اینگونه از تعادل خارج است؟ مسئولین ما چرا یا مقررند
یا محدب؟ آخر واقع‌گرایی چه بدی داشت که یک بار نکردیم؟

□ کیاسر عرب

از تو حمایت می‌کنیم!



در متن دادنامه لیلا حسین زاده (دانشجوی مدافع حقوق کارگران) که به دلیل
حمایت هایش از کارگران در دادگاه تجدید نظر به ۳۰ ماه محکوم به زندان
شد در مورد اتهاماتش چنین نوشته شده است:

۱- دادن شعار اصلاح‌طلب-اصولگرا / دیگه تمومه ماجرا

۲- دادن شعار مرگ بر بیکاری / مرگ بر گرانی

۳- تشکیل کانال تلگرامی علیه بیگاری و رزی

۴- تجمع روبروی دفتر رئیس دانشگاه در اعتراض به پولی‌کردن سرویس‌ها!

دریافت مقرری بیمه بیکاری حق قانونی کارگران است!

اخیراً زمزمه‌هایی مبنی بر واگذاری پرداخت مقرری بیمه بیکاری به کاربایی‌ها را می‌شنویم در حالی که وزارت کار به جای این کار باید به وظایف قانونی خود عمل کند و فکر دیگری برای رونق کاربایی‌ها نکند. سندیکاهای کارگری با این مساله که معاونت روابط کار قصد دارد مقرری بیمه بیکاری را به بخش خصوصی واگذار کند به شدت مخالفند.

برخی تصور می‌کنند مقرری بیمه بیکاری منتهی است که وزارت کار و دولت سر کارگران می‌گذارند درحالی که این طور نیست کارگران درصدی از حق بیمه‌ای که ماهانه به تأمین اجتماعی پرداخت می‌کنند به عنوان مقرری بیمه بیکاری در شرایط خاص ذخیره می‌کنند و چنانچه بدون میل و اراده بیکار یا از کار اخراج شدند از آن محل به عنوان مقرری بیمه بیکاری استفاده می‌کنند.

در شرایطی که آمار بیکاران کشور افزایش می‌یابد و کارگران زیادی به دلیل شرایط اقتصادی تعدیل یا اخراج می‌شوند، سخت کردن روند دریافت بیمه بیکاری و اعلام بهره‌مندی ۲۰۰ هزار نفر از مقرری بیمه بیکاری در کل کشور به هیچ وجه خوب نیست.

در حال حاضر بنگاه‌های تولیدی به دلیل شرایط اقتصادی و افزایش هزینه‌ها با مشکلات بسیاری دست و پنجه نرم می‌کنند و ناچار به تعدیل کارگران یا توقف خطوط تولید خود شده‌اند. امروز کارگرانی که به دلیل شرایط حاکم بر اقتصاد، نوسانات نرخ ارز و رکود کارخانه‌ها از کار بیکار می‌شوند، نمی‌توانند از مقرری بیمه بیکاری استفاده کنند چرا که منابع موجود برای پوشش شاغلان بیکار شده محدود است، در حالی که کارگران ماهانه مبلغی بابت حق بیمه خود به صندوق تأمین اجتماعی واریز می‌کنند و این حق را دارند که در شرایط خاص بتوانند از حقوق قانونی خود بهره‌مند شوند.

آماري که درباره افراد تحت پوشش بیمه بیکاری در کشور اعلام می‌شود، با واقعیت‌های موجود سازگار نیست چراکه تعداد شاغلان بیکار شده بیش از کسانی است که مقرری بیمه بیکاری می‌گیرند... کارگرانی که ماهانه بیمه پرداخت کرده و ناخواسته بیکار می‌شوند، حق بهره‌مندی از مقرری بیمه بیکاری را دارند.

عباس اورنگ مطرح کرد:

طرح تحول سلامت جیب تأمین اجتماعی را خالی کرد!

عباس اورنگ کارشناس تأمین اجتماعی با اشاره به اینکه سالانه حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان از طریق حق بیمه‌ها بر دوش دولت قرار دارد، گفت: اگر مشکل صادرات نفت تا حدی حل شود دولت باید بخشی از بدهی پیشین خود را بپردازد اما حدود ۶ سال است که دولت از بدهی‌های تجمیع شده‌اش به سازمان تأمین اجتماعی پرداختی نکرده است.

به گزارش خبرنگار ایلنا، بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی تا پایان سال ۹۶ حدود ۱۸۷ هزار میلیارد تومان بود اما میزان بدهی‌ها تا پایان سال گذشته به ۲۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده است. دولت نه تنها در سالهای گذشته بدهی‌هایش را پرداخت نکرده بلکه با هزینه تراشی از طریق طرح تحول سلامت، وضعیت سازمان تأمین اجتماعی را بیش از پیش بحرانی کرد. البته مجلس شورای اسلامی هم با توجه به تنگناهای بودجه‌ای دولت، راهکار تهاثر اموال دولت به تأمین اجتماعی را پیش پای دولت گذاشت و قرار شد تا دولت ۵۰ هزار میلیارد تومان از بدهی‌اش را از این طریق بپردازد.

به عبارتی هم ۳۰ هزار میلیارد حق بیمه سالانه‌اش را پرداخت کند و هم ۲۰ هزار میلیارد از بدهی قبلی‌اش را بپردازد. در شرایطی که اقتصاد کشور بحرانی است و قدرت خرید جامعه پایین آمده است، تضعیف صندوق‌های بیمه‌ای و حمایتی حداقلی‌ترین آرامش را نیز از جامعه سلب خواهد کرد. این است که عباس اورنگ (کارشناس تأمین اجتماعی) معتقد است دولت باید با وجود مشکلات فراوانش برای سرپا نگاه داشتن صندوق تأمین اجتماعی راهکار داشته باشد.

امید چندانی به پرداخت بدهی‌های دولت نیست

وی با اشاره به اینکه قرار بود براساس مصوبه مجلس؛ دولت ۵۰ هزار میلیارد تومان از بدهی‌های خود را به تأمین اجتماعی پرداخت کند، اظهار داشت: در بودجه ۹۸ نیز پیش‌بینی شده که این مبلغ به دولت پرداخت شود. با این حال با توجه به وضعیت اقتصادی کشور به نظر می‌رسد که دولت علاقه‌ای به پرداخت دیون خود ندارد. راهکارهایی برای تهاثر بدهی‌های دولت به تأمین اجتماعی پیش‌بینی شده بود که با توجه به اینکه فروش نفت به صفر رسیده است، ممکن است نتواند آن را پرداخت کند.

اورنگ با اشاره به اینکه دولت در شرایط فعلی با مشکل مالی مواجه است و از طرفی در فروش نفت نیز با مشکلاتی روبرو هستیم، قطعاً دولت در سال سختی که پیش رو دارد و باید برای یافتن منابعی برای سایر هزینه‌هایش فکر کند. گفت: اگر واقع‌بینانه نگاه کنیم، انتظار ما از دولت در خصوص بدهی‌هایش این است که در سال جدید به مطالبات قبلی نیفزاید و دست‌کم مبلغ حق بیمه‌هایی که در سال جدید بر دوش دارد را بپردازد. دولت سهم ۳ درصدی بیمه را در سال جدید به طور منظم پرداخت کند و لااقل این مبلغ را صفر کند.

● در بطن مبارزه کارگران سندیکایی است که احیای حقوق سندیکایی، طرح خواسته‌ها بر اساس منشور جهانی حقوق سندیکایی و مقاله‌نامه‌های سازمان جهانی کار به‌ویژه مقاله‌نامه‌های ۸۷ و ۹۸ امکان تحقق می‌یابد. در چارچوب این سیاست راهبردی، تاکتیک‌های هر لحظه تعیین شده و می‌توان با گام‌هایی سنجیده در راه تأمین منافع زحمتکشان به پیش حرکت کرد.

از این روی، مبارزه برای خواست‌های احیای حقوق سندیکایی، از پیکار سازمان یافته و متحد با برنامه‌های اقتصادی- اجتماعی دولت جدا نیست و جدا نمی‌تواند باشد.

نامه سرگشاده مدیر مرسدس بنز به مدیر سایپا

مدیر محترم کارخانه‌ی سایپا با سلام

ما سالیان سال است با سخت‌ترین کنترل کیفیت، پیشرفته‌ترین سیستم‌های ایمنی، پرهزینه‌ترین تبلیغات و بهترین خدمات پس از فروش، خودرو تولید می‌کنیم و با این حال دایمن تحت فشار مصرف کننده برای تولید محصولات با کیفیت‌تر بوده و مجبوریم با رقبای خود به صورت شانه به شانه رقابت نماییم. اگر مدیریت شرکت‌های خودروسازی ایران ما را به غلامی قبول کنند حضور محترمشان شرفیاب شده و این سوال‌ها را از محضر گرامی‌شان خواهیم پرسید:

۱- چطور ۶ ماه قبل از تحویل ماشین، از مشتری پول می‌گیرید؟ چطور آنها می‌دهند؟!

۲- اینکه می‌گویند در ایران ثبات مدیریتی وجود ندارد به چه معناست؟

۳- چه وردی می‌خوانید که مشتری بعد از شش ماه، ماشین نقره‌ای را به جای ماشین سفید رنگ (که ثبت نام کرده بود) قبول کرده و صدایش در نمی‌آید؟

۴- واقعا ماشین ۴ میلیونی را سی میلیون پیش فروش می‌کنید و مردم هم می‌خرند یا خواب می‌بینیم؟!

۵- چگونه است که ماشین خریداری شده از کمپانی سر خیابان نرسیده باید به تعمیرگاه برود؟ اینجا یک پیچ و مهره گم شود، گم می‌شوی!

با احترام و تعجب مانفرد شفن هاخن مدیرعامل مرسدس بنز



مصرف شیر در ایران به نصف استاندارد جهانی سقوط کرده است!

وحید مفید مدیرکل فرآورده های غذایی و آشامیدنی سازمان غذا و دارو امروز جمعه ۷ تیر ۹۸ گفته: قیمت شیر ارتباط مستقیمی با میزان مصرف آن دارد و افزایش قیمت میزان مصرف آن را در سبد غذایی مردم کاهش داده و نگرانی هایی را ایجاد کرده است

■ سرانه استاندارد سالانه مصرف شیر برای هر نفر ۱۶۰ کیلوگرم است اما اعداد و ارقام فعلی، نصف این میزان مصرف را در کشور نشان می دهند که گران تر شدن محصولات لبنی باید این آمار دوباره مورد بررسی قرار گیرد

تفرقه جامعه را عقب مانده نگه می دارد، هوشیار باشیم!

◆ آنچه جامعه امروز ما را با چالش و آسیب جدی مواجه کرده، تفرقه است، آنقدر که از تفرقه آسیب دیده‌ایم از تحریم آسیب ندیده‌ایم. ما با دیدگاه‌ها و نظرات و سبک‌های زندگی متفاوت «در کنار هم» جامعه را می‌سازیم اما متأسفانه در همه سال‌های گذشته به جای «کنار هم بودن» تمرکزمان را روی تفاوت‌ها متمرکز کرده اند. افتراق و جدایی‌افکنی خوراک دست گروه‌هایی داده که احتمالاً هر کدامشان اهداف جداگانه‌ای را دنبال می‌کنند...

این در حالی است که در شرایط سخت امروز، در کنار هم بودن و اینکه روی نقاط اشتراک مان تکیه کنیم می‌تواند راهگشا باشد و البته اینکه سعی کنیم نقاط افتراق را هم به نتیجه برسانیم، به هر حال ما به دموکراسی معتقد هستیم اگرچه تعریف و معنی دموکراسی مخدوش شده و متأسفانه مورد قبول عده‌ای هم نیست اما مشترکات زیادی داریم که باید روی آنها تکیه کنیم. مشترکات ما بی‌نهایت است.

باید نقاط افتراق را هم به نتیجه برسانیم اما برخی همه را شبیه هم و شبیه به خودشان می‌خواهند که این غلط است، جامعه انسانی طیفی رنگارنگ را تشکیل می‌دهد.

◆ کانال دانش و کارگر ◆

بخش آموزش سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

"فریاد اول"

سال پیش همین موقع ها بود میرفتم خرید کنم. به سه راه بهشتی که رسیدم نیروی انتظامی در حال جمع آوری بدحجاب ها بود. یکی از دخترها با بغض و گریه داشت مقاومت میکرد و من و نزدیک به سی نفر دیگر داشتیم این صحنه رو نگاه میکردیم. همه‌مون خشمگین و عصبانی بودیم. چند بار خواستم مداخله کنم اما ترسیدم! تعارف که نداریم. منتظر بودم یکی شروع کنه به اعتراض تا همراهش بشم! هیچکس شروع نکرد و غائله تموم شد! احساس بدی نسبت به خودم داشتم. چرا مداخله نکردم؟! هی به خودم میگفتم بقیه همراه نیستن! هیچکس هیچی نمیگفت و اگر شروع میکردم منم میبردن. یه صدایی از پس ذهنم میگفت: «خوب تو شروع میکردی! داد اول رو میزدی بقیه همراه میشدن!» این ماجرا رو گفتم تا راجع به "فریاد اول" حرف بزنم! تقریباً همه‌ی ما همینیم. منتظریم که یکی داد اول رو بزنه تا شروع کنیم. کمتر کسی هست که بگه: «چرا من داد اول رو نزنم?!» چند روز پیش آبشار آسیاب خرابه بودم. ساعت شیش صبح رسیدم و یه تتی به آب زدم تا ساعت هشت. از زیر آبشار که بیرون اومدم تازه چشمم به حجم انبوه آشغال ها افتاد. یکم زیر لب غرغر کردم و با خودم گفتم: «این ملت درست نمیشن!» به جز من چند تا خانواده هم بودن و داشتن صبحانه میخوردن. یهو همون صدای قدیمی بهم گفت: «چرا تو به جای غر زدن، دست به کار نمیشی؟ چه کار مهم تری داری؟» رفتم از ماشینم پلاستیک زباله آوردم و شروع کردم به جمع کردن. نزدیک یک ساعت که جمع کردم، کم کم بقیه هم همراه شدن! میومدن ازم پلاستیک میگرفتن و زباله جمع میکردن! وقتی جمع و جور شد حالم خوب بود. نه واسه اینکه چهار تا کیسه زباله جمع کردیم، واسه اینکه به آدم‌های اونجا نشون دادم که میشه قدم اول رو برداشت. همین!



در سرزمین من زن و نفت تاریخ مشترکی دارند،
 نفت به استعمار انگلیس درآمد و زن به استعمار عقاید.
 در سرزمین من این دو میسوزند ،
 تا سرزمینم فقیر و امن بماند.

او پرستار واقعی است!

دیروز بعد از سالها دوباره دیدمش داشت در میان میوه های از رده خارج که میوه فروش به پیاده روی مغازه اش انتقال داده بود و قیمت این میوه ها یک سوم قیمت های داخل مغازه بود دنبال میوه سالم می گشت. به سختی و بدون آشنابیت عبور کردم. سالها پیش در کوچه ما ساکن بودند تمام اهل ساکنین کوچه خانم پرستار را می شناختند و برای او احترام قایل بودند او در رابطه خدمات بیمار به اهالی کوچه بدون چشم داشت کمک می کرد. بانوی توانایی بود به صورت شیفته در یکی از بیمارستان تهران با شغل شریف پرستاری شاغل بود. در بعدازظهرهای گرم تابستان و سرد زمستان دختر کوچکش را بغل می گرفت و دست پسر چند ساله اش را نیز گرفته و ساک سنگین لوازم فرزندان را بدوش می انداخت و با همین وضعیت عرض چندین خیابان و طول چند کوچه را تا رسیدن به ایستگاه اتوبوس می پیمود وقتی به ایستگاه اتوبوس می رسید بقیه بانوان کمک می کردند تا خود با ساک سنگینش و فرزندان از پله های اتوبوس بالا رود بدین شکل خود را به مسیر سرویس بیمارستان می رساند و بعد از تکرار دوباره پیاده و سوار شدن به سرویس، خود را به بیمارستان محل کارش میرساند کودکانش را به مهد کودک می سپرد و خود به محل کارش می رفت. بیماران را تیمار می کرد، قرص می داد، شربت میخوراند، آمپول می زد، علایم حیاتی بیماران را کنترل می کرد. اگر حال بیماری به وخامت می رفت دکتر را خبر می کرد. حرفهای گزنده و گاه توهین آمیز همراهان بیمار را تحمل میکرد. سی سال بدین شکل فعالیت کرد، حالا بازنشست شده بود و در میان میوه هایی که سازگار ذائقه پولداران نبود دنبال چند میوه می گشت.....

تاریخچه جنبش سندیکایی در ایران از آغاز تا

انقلاب بهمن ۱۳۵۷ (۶)

تشکل عظیم سندیکایی ایران در سال ۱۳۲۵ مورد شناسایی سازمان جهانی کارگران یعنی « فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری WFTU » قرار گرفت و شورای متحده مرکزی به عنوان یگانه مرکز سندیکایی اصیل در ایران به عضویت « فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری WFTU » درآمد. دولت و وزارت وقت کار، که ایجاد آن محصول مبارزات طبقه کارگر و توسعه جنبش سندیکایی در ایران بود، به شناسایی نقش شورای متحده مرکزی ناگزیر شدند و حق نمایندگی در شورای عالی کار به شورای متحده مرکزی داده شد. به این ترتیب در مدت کوتاهی تشکل صنفی کارگران ایران رسمیت بین المللی پیدا کرد و در داخل کشور، شورای متحده به قدرت سرنوشت ساز به سود زحمتکشان بدل گردید. طبقه کارگر ایران در فاصله زمانی سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵ به پیروزیهای بزرگی در زمینه تامین خواستهای اقتصادی - رفاهی دست یافت. طی این سالها آگاهی و تشکل سندیکایی کارگران و زحمتکشان موجب تدوین لایحه ای در سال ۱۳۲۳ شد که در آن، ۸ ساعت کار در روز، ۲ هفته مرخصی سالیانه با حقوق، ۶ هفته مرخصی برای زنان کارگر باردار، منع استفاده از کار کودکان کمتر از ۱۲ سال و تامین بیمه های اجتماعی پیش بینی شده بود. شورای متحده مرکزی با انتشار روزنامه ظفر و فرستادن کوشندگان خود به میان زحمتکشان ایران و دادن آگاهی توانست بستر مناسب برای تصویب قانون کار در سال ۱۳۲۵ ایجاد کند. که علاوه بر مزایای فوق، روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) را نیز به عنوان روز همبستگی جهانی زحمتکشان و روز تعطیلی با استفاده از دستمزد به رسمیت می شناخت.

از لیبرالیسم تا لیبرالیسم نو (۱)

✦ آنچه را که امروزه امروز سرمایه‌داری، نئولیبرالیسم می‌نامد و در موج جدید جهانی‌سازی از آن برای توجیه ایدئولوژیک غارت خود بهره می‌برد، وجه اشتراک چندان با لیبرالیسم ندارد، و این هم یکی دیگر از بازی‌های عوام فریبانه این نظام با زبان و کلمات است که موارد متعددی از آن را دیده‌ایم. برای روشن شدن موضوع، نخست باید ببینیم لیبرالیسم خود چه بود، بستر تاریخی و زمانی، شرایط و زمینه پیدایش و رشد آن و مضمون اولیه آن چه بود و چه تحولاتی را از سر گذراند. سپس به بررسی نظری و عملی آنچه امروز به عنوان لیبرالیسم نو معرفی می‌شود، و عملکرد آن طی چند دهه گذشته بپردازیم. این کاری نسبتاً طولانی است و از این‌رو آن چه در این مقاله می‌آید، به ناگزیر طرح کلی بحث است که جنبه‌های گوناگون آن باید در فرصت‌های دیگر به تفصیل بررسی شود.

۱- لیبرالیسم خود چه بود، در چه شرایطی نشو و نما یافت و چه تحولاتی را از سر گذراند؟

در تاریخ سرمایه‌داری، شاهد این واقعیت هستیم که بورژوازی همواره برخی از نظریاتی را که غالباً خود، آنها را به جامعه ارائه داده و رواج بخشیده است، در دوره‌های بعدی حیات تاریخی خویش، به تناسب تغییر جایگاه و نقش تاریخی خود و منافع و نیازهایش، کنار گذاشته و نظریه‌های تازه‌ای را که با منافع و نیازمندی‌های جدید آن انطباق داشته، به جای نظریه‌های قبلی نشانده است. مثلاً سرنوشت تاریخی نظریه کار-بنیاد «ارزش» یکی از این نمونه‌ها است. دگرگونی‌ای که لیبرالیسم پس از انقلاب فرانسه از سر گذراند هم، یک مصداق دیگر از همین چرخش‌ها است.

نگارش: ناصر زرافشان بر گرفته از (مجله دانش و مردم)

پیدایش حیات، ظهور و تکامل انسان (۲۹)

□○ ساختارهای تحلیل رفته بدن انسان

۱- **ارگان و مرونزال VOMERONASAL ORGAN** : یا ارگان جاکوبسون که حفره‌ای است در پل‌های بینی دو سمت با گیرنده‌های شیمیایی که در انسان عملکردی ندارند. در جانوران پست تر وظیفه درک ماده شیمیایی فرومون را بر عهده دارند.

۲- **عضلات خارجی گوش** : سه عضله هستند که در بخش خارجی گوش واقع شده‌اند و در سایر حیوانات نظیر خرگوش‌ها و سگ‌ها، وظیفه حرکت مستقلانه گوش از سر را بر عهده دارند. اما بعضی از انسان‌ها هنوز آن را دارا هستند و توسط این عضلات است که بعضی از افراد می‌توانند گوش‌شان را تکان دهند.

۳- **دندان عقل** : در انسان‌های نخستین که مقادیر زیادی از گیاهان را جهت به دست آوردن انرژی مصرف می‌کردند داشتن یک جفت اضافه دندان آسیا در هر فک مفید به نظر می‌رسید اما در انسان‌های امروزی که انواعی از غذاها را مصرف می‌کند، زیاد ضروری به نظر نمی‌آید. در نتیجه بعضی از افراد دندان‌های عقل را ندارند.

۴- **دنده گردنی** : حدود یک درصد از مردم یک جفت دنده اضافی در بالای دنده‌های خود (در بخش گردن) دارند که به نظر می‌رسد باقی مانده از اجداد خزنده ما باشد. این دنده می‌تواند در این افراد مشکلات عروقی یا عصبی ایجاد کند.

۵- **پلک سوم** : در اکثر پرندگان و پستان داران یک لایه محافظ به عنوان پلک سوم بر روی چشم‌شان وجود دارد که وظیفه حفاظت از چشم و خروج شن

ریزه و گرد و غبار را از چشم بر عهده دارد. باقی مانده این پلک در انسان به صورت یک چین نازک در گوشه داخلی چشم وجود دارد.

۶- تکمه یا نقطه داروین: اگر لبه خارجی لاله گوش خود رو لمس کنید به یک برجستگی برمی خورید که به نام دکمه داروین مشهور است. در حیواناتی نظیر خرگوش این تکمه در انتهای گوش‌ها قرار دارد و وظیفه فوکوس صداهای دور را روی گوش بر عهده دارد.

۷- عضله زیر ترقوه: عضله کوچکی که در زیر شانه قرار دارد و از دنده اول به ترقوه کشیده شده است و در صورتی برای انسان مفید بود که هنوز بر روی ۴ پا راه می‌رفت. البته بعضی از مردم این عضله را ندارند و بعضی نیز یک جفت از آن را دارند.

۸- عضله پالماریس (خیاطه): عضله بلند و نازکی که از زانو به کمر کشیده شده و ۸۹ درصد مردم دارای این عضله هستند. این عضله در جانوران پست تر در آویزان شدن و بالا رفتن از درخت بسیار مهم است. جراحان معمولاً این عضله را در جراحی‌های ترمیمی عضلات برداشته و از آن استفاده می‌کنند.

۹- نوک پستان در مردان: مجاری شیری قبل از این‌که هورمون جنسی مردانه (تستوسترون) در جنین باعث ایجاد صفات مربوط به جنس مذکر بشود به وجود می‌آیند. مردان دارای بافت پستانی هستند اما عملاً استفاده‌ای از آن‌ها نمی‌کنند.

۱۰- عضلات صاف کننده مو: در بسیاری از جانوران این عضلات که در قاعده موهای بدن واقع شده‌اند وظیفه سیخ کردن موهای جانور را در هنگام بروز خطر دارند تا جانور بتواند از آن به عنوان ترساندن مهاجم استفاده کند.



درمان رایگان و همسان سازی حقوق ها تا تامین یک زندگی توام با رفاه و
نظارت بر انجام تعهدات دولت
مطالبه همه بازنشستگان است!

بازنشستگان فلزکارمکانیک



دختر نوجوانی که در کوهستان ته‌ته در اورامانات کردستان کولبری می‌کند.

خون باید گریست بر مملکتی که مسئولینش چشم خود را بر وضعیت فلاکت بار مردم می‌بندند و دخترانی که باید پشت میز مدرسه باشند برای لقمه‌ای نان آواره کوه‌ها شوند و کولبری کنند. ننگ بر مسببین بدبختی مردم.

کولبری شغل نیست دغدغه‌ی نان است!